

انوش صالحی

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران نگار و کارگر و همکار

روز شنبه نوزده اسفند ۱۳۵۷ اولین شماره نشریه کار ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران منتشر شد. به این ترتیب سازمان چریک‌های فدایی خلق پس از هشت سال مبارزه مخفی مسلحانه فعالیت علنی خود را آغاز کرد. به رغم محدوده اعضای اصلی باقی‌مانده در آستانه انقلاب، سازمان دارای هواداران بسیاری در طبقات مختلف اجتماعی بود و یکی از مهم‌ترین سازمان‌های چپ مارکسیستی در معادلات سیاسی آن ایام به شمار می‌رفت.

سرمقاله اولین شماره نشریه کار با عنوان «ضرورت انتشار نشریه» با تأسی از ایدئولوژی مورد قبول سازمان یادآور می‌شود:

ما وظیفه خود می‌دانیم که با انتشار یک نشریه ویژه کارگری قدمی دیگر در جهت ارتقاء جنبش کارگری برداریم. کارگران مبارز، که همیشه در مبارزه علیه امپریالیسم و دیکتاتوری نقش مهمی داشتند، هنوز وظیفه سنگینی بر دوش دارند و باید مبارزه را تا رسیدن به نتیجه نهایی دنبال کنند. طبقه کارگر که انقلابی‌ترین و مترقی‌ترین طبقه است، تنها نیرویی است که می‌تواند در جهت منافع خلق، مبارزه را بدون عقب‌گرد، بدون سازش و با قاطعیت هر چه تمام‌تر پیش ببرد و خلق را تا پیروزی نهایی رهبری کند.

با چنین مقدمه‌ای هدف از انتشار نشریه «ایفای نقش در جهت تشکل، آگاهی و مبارزات جنبش کارگری ایران» تعیین می‌شود. دیدگاهی که در مقاله تحلیلی «سندیکاها را به وجود آوریم اما فعالیت خود را به سندیکاها محدود نکنیم» در همین شماره دنبال می‌شود:

مبارزه دسته‌جمعی کارگران از طریق سندیکاها و اتحادیه‌ها اساساً به دور محور

خواست‌های اقتصادی صورت می‌گیرد. یعنی این که بتوانند نیروی کار خود را با قیمت بالاتر و شرایط بهتری به سرمایه‌داران بفروشند. درحالی که طبقه کارگر برای رهایی قطعی از بهره‌کشی راهی جز به دست گرفتن قدرت سیاسی و الغای مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و محو نظام سرمایه‌داری ندارد. لازمه رسیدن به این هدف غایی تلفیق تجربیات جنبش کارگری با اندیشه علمی است.

در روزهای پس از بهمن ۱۳۵۷ وضعیت پیچیده انقلابی همانند سایر بخش‌های جامعه بر صنایع کشور نیز حاکم بود. صنایع بزرگ با فرار مدیران دولتی توسط مدیران میانی یا خود کارگران اداره می‌شد. صاحبان مجتمع‌های بزرگ تولیدی هم چون خودروسازی، کفش، لباس و مواد غذایی کشور را ترک کردند. مالکان کارخانه‌های کوچک و کارگاه‌ها نیز جرأت حضور بر سر کارشان را نداشتند.

از سوی دیگر، رکود اقتصادی حاصل از حوادث انقلاب موجب اخراج دسته جمعی کارگران از واحدهای تولیدی و خدماتی شده بود. به این کارگران اخراج شده که بیش ترشان کارگران موقت بودند باید کارگران فصلی و روزمزد را نیز اضافه کرد که در حاشیه شهرهای بزرگ زندگی می‌کردند. این طیف‌های متنوع کارگری که خود تا حدی نقش آفرین حوادث روزهای انقلاب بودند در نخستین هفته‌های پس از پیروزی انقلاب انتظار داشتند مشکلات شان سریع حل شود، آن قدر سریع که اولین شماره نشریه کار با انتقاد از دولت موقت می‌نویسد: «اینک پس از واژگونی رژیم ضد خلقی پهلوی چه کسی باید به خواست‌های سیاسی و اقتصادی آن‌ها [کارگران] پاسخ قطعی و روشن بدهد؟» و در ادامه مطلب به نقل از یکی از کارگران در اجتماع جلو وزارت کار می‌پرسد: «آیا کارگران باید یک بار دیگر انقلاب کنند؟»

وزارت کار و امور اجتماعی با مسئولیت داریوش فروهر از اولین نهادهای مرتبط با مسائل کارگری پس از انقلاب بود. روزی نبود که کارگران اخراجی یا معترض در برابر آن اجتماع نکنند. درخواست‌های کارگران معترض در این شماره نشریه کار چنین جمع بندی می‌شود:

بازگشت کارگران اخراج شده به سر کار، دخالت کارگران در امر مدیریت و اداره کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، لغو قوانین و مقررات سابق کار، روشن شدن وضع بیمه کارگران، لغو کار مزدی، عدم اخراج کارگر توسط کارفرما، پرداخت کلیه حقوق در حین بیماری کارگر، مرخصی یک ماه در سال، تعیین ساعت کار به مدت چهل ساعت در هفته، لغو اضافه کاری اجباری و بالاخره اختصاص ساختمان‌هایی برای سندیکا و سازمان‌های کارگری.

درخواست‌های مزبور فصل مشترک اعتراضات کارگری بود که هر روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گرفت تا حدی که ارگان‌های تازه تأسیس پس از انقلاب نیز درگیری مسائل کارگری شدند.

دومین شماره نشریه کار - بیست و چهار اسفند ۱۳۵۷ - خبر از تشکیل دفتری در کمیته انقلاب اسلامی برای بررسی وضعیت صنایع می دهد. آن چه در اعلام خبر حائز اهمیت است موضع گیری مدیران یکی از واحدهای صنایع است. آنان با ارسال نامه ای به دفتر بررسی صنایع کمیته انقلاب اسلامی می خواهند تا «افراد مطلعی را که مورد قبول عامه می باشند و به لطف الهی تعداد آن ها در شهرستان ها زیاد می باشد مأمور گردند که با سخنرانی در کارخانه ها به ارشاد کارگران پرداخته، آن ها را از خطرات آینده و روش های پیشنهادی گروه های چپی بر حذر نمایند.»

نویسندگان نامه چنین هشدار می دهند: «نتیجه نامطلوب این روش (تحریک کارگران توسط گروه های مسلح که خود را مدافع منافع کارگران قلمداد می کنند) تنها اخراج مدیر و سرپرست از کارخانه و یا تشکیل شوراهای کارگری نیست. بلکه به وجود آمدن گرایش هایی در کارگران نسبت به گروه های مهاجمی است که اغلب آن ها را کمونیست ها تشکیل می دهند.»

همراهی انقلابیون چپ با کارگران در واحدهای تولیدی موجبات ناخرسندی دولت موقت را فراهم می کند به طوری که داریوش فروهر طی سخنانی در میان معترضان حاضر در وزارت کار از «حضور دانشجویان در کارخانه ها و راه انداختن بحث های ایدئولوژیکی انتقاد می کند.»^۱ با گذشت زمان صاحبان برخی از واحدهای تولیدی که خود یا نمایندگان شان امکان حضور در کارخانه های شان را پیدا کرده اند کم کم به دنبال یارکشی سیاسی برای حفظ منافع شان هستند. آنان شاید زودتر از انقلابیون چپ متوجه شدند که «دولت موقت» دولت مستعجل است و قدرت سیاسی در کانون های دیگری در حال شکل گیری است. در همین ارتباط در سومین شماره نشریه کار از قول کارگری چنین نوشته می شود:

دار و دسته هایی در کارخانه ها پیدا شده اند که هر کسی حرفی بزند به عنوان مخالف می ریزند سرش، این واقعیتی است که خودم درگیر آن هستم، در کارخانه ها، همان سرکارگرا دست نشاندهان سرمایه دار که تا دیروز زور می گفتند حالا آمده اند یک کلت به کمرشان بسته اند و رفقای کارگر را به ضد هم تحریک می کنند.

کار شماره پنج - شانزده فروردین ۱۳۵۸ - خبر از تشکیل کمیته های انقلاب اسلامی برای کنترل و اداره نظم کارخانه ها و مؤسسات تولیدی می دهد و اعلامیه تهدیدآمیز کمیته انقلاب اسلامی شرکت پشم شیشه ایران را منتشر می کند. در این اطلاعیه چنین آمده بود:

بنا به امر امام و دولت و وزارت کار، کلیه اختلافات کارگری بایست در وزارت کار و با حضور نماینده صلاحیت دار آن وزارت خانه انجام شود. لذا قویاً از کارگران اخراجی خواسته می شود که از مراجعه به کارخانه خودداری کنند. در صورت عدم مراعات این امر نام و آدرس هر کدام از کارگران اخلال گر که مانع انجام کار صحیح شرکت چه

در داخل و چه در خارج کارخانه بشوند به کمیته امام داده خواهد شد تا به عنوان افراد ضدانقلابی مورد رسیدگی قرار گیرد.

در این شماره نشریه در اعتراض به سخنان عباس امیرانتظام، معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت موقت، طیف متناسب به دولت بازرگان عناصر سازشکاری قلمداد می‌شوند که «اکنون رسالت دفاع از منافع سرمایه‌داران وابسته و استقرار کامل سلطه مجدد امپریالیزم را بر عهده گرفته‌اند».

نشریه کار برنامه‌های دولت موقت در زمینه تضمین جانی و مالی سرمایه‌داران در صورت برگرداندن سرمایه‌های‌شان به داخل کشور را نیز برنمی‌تابد و می‌نویسد: «آن‌چه که امروز مردم خواستار آن هستند مبارزه با سرمایه‌داران و ملی کردن سرمایه‌های وابسته است نه تقویت موضع آن‌ها. بنابراین تن‌دردادن به پیشنهادهای سرمایه‌داران خیانت به خلق محسوب می‌شود.»^۱ هم چنین باز هم درباره ساختار دولت موقت دست‌درکاران نشریه چنین اعتقاد دارند:

ترکیب کنونی حاکمیت سیاسی نمی‌تواند و نمی‌خواهد انقلاب مردم را درک کند و گرایش سازش با سرمایه‌داران وابسته دم‌به‌دم در آن نیرومندتر می‌شود، بدون تردید در حاکمیت سیاسی فعلی جناحی وجود دارد که محتوای ضد‌دیکتاتوری و ضد‌امپریالیستی جنبش رهایی‌بخش خلق‌های ایران را مغایر منافع طبقاتی خود می‌داند و می‌خواهد دیکتاتوری و وابستگی به امپریالیزم را البته در چهره جدید حفظ کند.^۲

درباره دولت موقت نشریه کار تنها به بحث نظری بسنده نمی‌کند بلکه می‌خواهد با انتشار اسنادی ثابت کند وابستگان دولت موقت نه تنها از منافع سرمایه‌داران دفاع می‌کنند بلکه خود نیز سرمایه‌دار هستند. در شماره یازده نشریه کار - بیست‌وهفت اردیبهشت ۱۳۵۸ - اسنادی منتشر می‌شود دال بر این که عباس امیرانتظام سهام خود را در شرکت ایران پلانتینگ واگذار کرده است و در شماره ۴۸ - هشت اسفند ۱۳۵۸ - درباره کارخانه ایرفو در جاده ساوه که متعلق به بازرگان و دوستانش بود، افشاگری می‌شود.

«اخبار کارگری» و «کارگران خود سخن می‌گویند» از بخش‌های اصلی نشریه به شمار می‌رود و معمولاً تیرهای برجسته صفحه اول به بخش‌های مذکور اختصاص دارد. اخبار کارگری در هر شماره از اعتراض و تحصن بی‌دری کارگران در محیط‌های کارگری خبر می‌دهد. تشکیل شوراهای کارگری و اعتراض و تحصن کارگران بیکار از موضوعات دائمی نشریه کار است. یکشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۵۸ هزاران کارگر بیکار اخراجی طی اجتماعی در حیاط خانه کارگر واقع در خیابان ابوریحان تهران به سمت خانه آیت‌الله طالقانی راهپیمایی می‌کنند. شماره شش کار - بیست‌وسه فروردین ۱۳۵۸ - با گزارش راهپیمایی و مسائل حاشیه‌ای آن در مطلبی تحلیلی با عنوان «چرا

بیکاری؟» عوامل متفاوتی را موجب بیکاری ۳/۵ میلیون نفری کارگران می‌داند و می‌نویسد: از اصلاحات ارضی فرمایشی گرفته تا افزایش قیمت نفت و صرف درآمدهای ناشی از آن بر علیه خلق، از سرمایه‌گذاری‌های عمرانی گرفته تا سرمایه‌گذاری‌های تولیدی مونتاز همه در رشد بیکاری مؤثر بوده است. [پس] برای رفع آن علل و تأمین رشدی موزون و متناسب و حل مسئله بیکاری راهی باقی نمانده جز درهم‌شکستن همه زنجیره‌های وابستگی اقتصادی به امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران جهان‌خوار خارجی، که آن هم از طریق ملی‌کردن همه سرمایه‌های آنان (بانکی و صنعتی) و تلاش در جهت احیای کشاورزی و صنایع دستی (قالی‌بافی) و ایجاد صنایع سنگین و مادر ملی متکی بر کار طراحان و متخصصین خودمان امکان‌پذیر است.

برنامه‌های پیشنهادی نشریه در کوتاه‌مدت به نتیجه نمی‌رسید. بنابراین اعتراض کارگران و انعکاس آن در اخبار کارگری هم‌چنان ادامه داشت. هر چه زمان می‌گذشت مسائل محیط‌های کارگری بیشتر رنگ خشنونت به خود می‌گرفت. در اعتراض کارگران شرکت شیکو در سالن وزارت کار یکی از آنان با وزیر کار درگیر می‌شود.^۱ در قزوین و اصفهان حوادث کارگری کشته‌شدن یک کارگر در کارخانه کوراغلی قزوین و یک دانشجوی در اعتراضات کارگری اصفهان را در پی دارد.^۲ تیراندازی به سمت تجمع کارگران بیکار در تبریز،^۳ حمله افراد کمیته به کارگران زغال‌سنگ اصفهان،^۴ بازداشت مدیران کارخانه آزمایش در محوطه کارخانه به دست کارگران پس از درگیری عوامل‌شان با کارگران،^۵ و ده‌ها خبر مشابه از ورود نیروی جدیدی برای حل و فصل مسائل کارگری حکایت می‌کنند. در برابر این روند رو به رشد خشنونت در محیط‌های کارگری، نشریه کار خواستار ادامه وضع موجود است. نویسنده مقاله «تحصن تا چه حد می‌تواند پاسخگوی خواست‌های کارگران باشد»،^۶ تحصن کارگران را مثبت ارزیابی می‌کند و می‌نویسد: «امروزه تحصن کارگران از یک سو دولت را وامی‌دارد تا در جهت حل مشکلات کارگران به خصوص مسئله بیکاری اقدامی جدی به عمل آورد و از سویی دیگر نظر مردم را به خود جلب [می‌کند].»

نویسنده تحصن کارگران بیکار در وزارت کار، نخست‌وزیری، استانداری‌ها و سایر مراکز را سطح پایین‌تری از تحصن همراه با اعتصاب و قطع تولید تلقی می‌کند و معتقد است: «مبارزه باید از سطح اقتصادی یعنی چانه‌زدن برای افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و غیره ارتقا یافته و جهت سیاسی با خواست‌های مشخص سیاسی به خود گیرد.»

سمت و سوی دیگر موضع‌گیری نشریه کار در قبال حوادث خشنونت‌بار «هشدار نسبت به عواقب اوج‌گیری برخورد در محیط‌های کارگری است.» سرمقاله شماره هفت نشریه - سی فروردین ۱۳۵۸- با عنوان «انقلاب در خطر نابودی است» و مقاله دیگر همین شماره با عنوان

«سرکوب کارگران، حمایت از سرمایه‌داران وابسته است» نشان می‌دهند که جریان‌ات چپ به خصوص طیف سازمان چریک‌های فدایی خلق متوجه تنگ‌تر شدن فضای فعالیت‌های‌شان تنها دو ماه پس از انقلاب در محیط‌های کارگری شده‌اند. سرمقاله از دولت می‌خواهد تا «هر چه سریع‌تر با تشکیل صندوق بیکاری» نیازهای فوری کارگران را برآورده کند. ولی همان‌گونه که قبلاً متذکر شده بود، «حل مسئله بیکاری و بسیاری از مسائل دیگر که طبقه کارگر و زحمتکشان میهن با آن دست‌به‌گریبان هستند در چارچوب نظام سرمایه‌داری وابسته برآورده نخواهد شد. تنها با نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته و ایجاد جامعه‌ای نوین و دموکراتیک، تحت رهبری طبقه کارگر است که می‌تواند مشکلاتی را که زاییده نظام کنونی است، یک‌باره و برای همیشه ریشه کن کرد.»

لازمه به‌قدرت‌رسیدن طبقه کارگر و به‌دست‌گرفتن قدرت سیاسی توسط آنان تشکیل حزب طبقه کارگر است. کار که از اولین شماره در پایین صفحه نخست اقدام به طرح شعار «پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر» کرده بود، پس از چند شماره سلسله‌مقالاتی را با عنوان درباره حزب طبقه کارگر از شماره هفت به بعد منتشر می‌کند تا به جنبه‌های تئوریک چگونگی تشکیل حزب طبقه کارگر بپردازد. در مقالات منتشرشده تشکیل شورا و سندیکا برای پیشبرد مبارزات اقتصادی و صنفی کارگران ضروری ولی ناکافی تشخیص داده می‌شود و کارگران «برای این که بتوانند در برابر قدرت متشکل بورژوازی مبارزه متشکل بکنند باید سازمان سیاسی خاص خود را به وجود آورند. تنها چنین سازمانی است که می‌تواند مبارزات طبقه کارگر در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک را رهبری کرده و این مبارزات را جهت درهم‌شکستن دولت بورژوازی سمت دهد. تنها یک سازمان سیاسی که آگاه‌ترین و پیشروترین کارگران را در خود متشکل کرده باشد می‌تواند طبقه کارگر را در مبارزه برای رهایی از اسارت و بندگی متشکل کرده و رهبری کند. این سازمان سیاسی، حزب طبقه کارگر نام دارد.»^{۱۰}

در همین دوره سایر گروه‌های چپ از حزب توده گرفته تا جریان‌ات مائوئیستی همگی خود را یا حزب طراز نوین طبقه کارگر می‌دانستند یا همانند سازمان چریک‌های فدایی خلق در تلاش برای تشکیل حزب بودند. در نظر نویسندگان مقاله مزبور، «سازمان ما با این که چه از نظر ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی و چه از نظر اعتمادی که در سایه مبارزات پیگیرانه و صادقانه‌اش در میان توده‌ها به دست آورده است، از سایر گروه‌ها به خصوصیات حزب طبقه کارگر نزدیک‌تر»^{۱۱} است، ولی هنوز حزب طبقه کارگر نیست.»

در ادامه مقاله در شماره‌های بعد به دو موضوع مهم در راه تشکیل حزب طبقه کارگر، یعنی آگاهی سوسیالیستی و جنبش خودبه‌خودی طبقه کارگر، پرداخته می‌شود. نویسندگان ابتدا از استالین نقل قول می‌آورد که «حزب طبقه کارگر از تلفیق آگاهی سوسیالیستی با جنبش خودبه‌خودی طبقه

کارگر به وجود می‌آید»، و سپس می‌نویسد:

اگر جنبش خودبه‌خودی کارگران با آگاهی سوسیالیستی و دموکراتیک تلفیق نشود یعنی اگر آگاهی به میان کارگران برده نشود کارگران در مبارزات خودبه‌خودی‌شان حداکثر به این نتیجه می‌رسند که اتحادیه تشکیل دهند تا با کارفرمایان مبارزه کنند... به اعتقاد ما، تشکیل حزب طبقه کارگر در ایران نیازمند مبارزات پیگیری است. این امر یعنی تلفیق آگاهی سوسیالیستی با جنبش خودبه‌خودی کارگران با شرکت سازمان و عناصر مارکسیست - لنینیست در جنبش طبقاتی پرولتاریا و با متشکل کردن مبارزات کارگران و با تبلیغ و ترویج وسیع سوسیالیستی و دموکراتیک ممکن است.

به نظر نویسنده سلسله مقاله «درباره حزب طبقه کارگر»، حزب برای این که بتواند رهبری مبارزه طبقاتی را به دست گیرد و آن را به نحو شایسته‌ای رهبری کند بایستی آن‌چنان سازمانی باشد که بتواند از وحدت تشکیلاتی و وحدت اراده برخوردار باشد.^{۱۲}

این پاسخی است به جریاناتی که خواستار وحدت طیف‌های گوناگون مارکسیست - لنینیست ایران هستند. نویسنده به پراکندگی نیروهای چپ اذعان می‌کند ولی وحدت را تنها «بر اساس خط‌مشی معین و انقلابی و بر پایه وحدت ایدئولوژیک» می‌پذیرد.

حزب طبقه کارگر علاوه بر متشکل کردن کارگران وظیفه رهبری سایر طبقات اجتماعی را نیز بر عهده دارد چرا که «طبقه کارگر به تنهایی نمی‌تواند انقلاب کند، نیروی او به تنهایی کافی نیست و مجبور است برای پیروزی انقلاب با سایر اقشار تحت ستم متحد شود» ولی «این امر به معنی مخدوش کردن خط و مرزهای طبقاتی و درهم آمیختن تشکل مستقل کارگران و سازمان سیاسی مستقل وی با سایر اقشار زحمتکش نیست».^{۱۳}

در شماره‌های بعد نیز توجه به جنبش جوانان و زنان از اولویت‌های تشکیل حزب محسوب می‌شود. اگر اعتراضات مداوم کارگران، به خصوص کارگران اخراجی و بیکار، سازمان را به این جمع‌بندی رسانده باشد که جنبش خودبه‌خودی طبقه کارگر در حال شکل‌گیری است در آن صورت نشریه کار وظیفه خود می‌داند تا با ترویج آگاهی سوسیالیستی زمینه‌های تشکیل حزب طبقه کارگر را فراهم کند. به همین منظور از شماره نُه نشریه مباحث تئوریک در صفحات هفتگی آن گنجانده می‌شود. تعریف کالا، تبدیل پول به سرمایه، پول یا گردش کالا عناوین برخی از موضوعات تئوریک نشریه را تشکیل می‌دهد. تهیه‌کنندگان نشریه در مباحث تئوریک تلاش می‌کنند تا اقتصاد سیاسی را به زبان ساده به نگارش درآورند. ولی توجه به سادگی و همه‌فهم کردن مطلب گاه آن را از حیز انتفاع خارج می‌سازد. به عنوان مثال در شماره یازده - بیست‌وهفت اردیبهشت ۱۳۵۸ - در مقاله «چگونه سرمایه‌داران کارگران را استثمار می‌کنند» پس از توضیح

شرایط زندگی روزانه کارگران و سرمایه‌داران و تفاوت فاحش شیوه زندگی‌شان تلاش می‌کند با یک مثال ساده چگونگی استثمار کارگران را ثابت کند و می‌نویسد: «فرض کنیم در کارخانه پارچه‌بافی ۱۰۰۰ نفر کارگر مشغول کارند که با هشت ساعت کار روزانه ۸۰۰۰ متر پارچه تولید می‌کنند. سرمایه‌دار برای تولید این مقدار پارچه مبلغ ۱۰۰ هزار تومان صرف خرید مواد اولیه، اجاره ساختمان، برق و غیره کرده است. درعین حال هزینه استهلاک ماشین‌آلات و وسایل نیز ۲۰ هزار تومان بوده است که جمعاً می‌شود ۱۲۰ هزار تومان، سرمایه‌دار ۵۰ هزار تومان نیز بابت خرید نیروی کار یعنی مزد کارگران می‌پردازد که مجموع هزینه‌های سرمایه‌دار می‌شود ۱۷۰ هزار تومان، اما سرمایه‌دار هر متر پارچه را به قیمت ۴۰ تومان می‌فروشد که جمعاً می‌شود ۳۲۰ هزار تومان، حال این سؤال پیش می‌آید که تفاوت بین ۱۷۰ هزار تومان هزینه و ۳۲۰ هزار تومان مجموع قیمت فروش پارچه که ۱۵۰ هزار تومان است، از کجا آمده است»، و سپس نتیجه می‌گیرد که «سرمایه‌دار اگر این پول را در گاو صندوق می‌گذاشت زیاد نمی‌شد. پس بنابراین نیروی کارگر است که توانسته این سود را ایجاد نماید».

اگر همه تحلیل‌های اقتصادی به همین سادگی صورت می‌پذیرفت دیگر نیازی به علم اقتصاد و جوانب گوناگون آن نبود. امروزه برای تأسیس یک کارخانه و نیز تعیین قیمت تمام‌شده محصولات آن عوامل مختلفی را محاسبه می‌کنند تا احداث واحد تولیدی مقرون به صرفه باشد. نگاهی به رشد بیمارگونه واحدهای تولیدی در چند دهه اخیر به خصوص با وام‌های کم بهره دولتی نشان می‌دهد که ساده‌نگری در علم اقتصاد توسط همه گروه‌های سیاسی با دیدگاه‌های متفاوت امری مشترک بوده است. گروه‌های متضاد از نظر ایدئولوژیک در این مورد، یعنی ساده‌انگاری امور اقتصادی جامعه، دارای وحدت نظر بودند.

موضع ساده‌انگاران نشریه کار در حوزه مباحث تئوریک در شماره‌های بعدی هم چنان ادامه می‌یابد. «درباره اخراج کارگران»^{۱۴} مطلبی است که به ریشه‌های اخراج کارگران در روند بحران اجتماعی و اقتصادی برآمده از انقلاب و تعطیلی واحدهای صنعتی می‌پردازد. نویسنده مطلب در وهله نخست وفور نیروی کار و رقابت آنان با یکدیگر را یکی از دلایل اخراج کارگران می‌داند تا دست صاحبان واحدهای تولیدی برای اخراج کارگران همیشه باز باشد، باین‌همه نویسنده مقاله نیز نمی‌تواند تعطیلی واحدهای صنعتی در تشدید بحران بیکاری را نادیده بگیرد. بنابراین فرار سرمایه‌داران وابسته و تعطیلی واحدهای‌شان را عامل تشدید بحران «قلمداد می‌کند آن هم از ترس ملی شدن کارخانه‌های‌شان». یعنی بالاخره مشخص نمی‌کند که سرمایه‌دار وابسته باید بماند و کارخانه‌اش را راه بیندازد تا از تشدید بحران بیکاری جلوگیری کند یا باید برود و دست از استثمار کارگران بردارد.

«عدم اخراج کارگران و پرداخت حقوق در مدت زمان بیکاری تا اشتغال مجدد» دو پیشنهاد موقت برای حل موقت بیکاری است ولی در نهایت «کارگران با علم به این که هیچ یک از این راه‌حل‌ها مسئله اخراج را به طور بنیادی حل نخواهد کرد می‌کوشند خود را در سازمان‌های سیاسی خود متشکل کنند و قدرت را به دست گیرند تا در حکومت خود تولید را برای تأمین نیازهای انسانی برنامه‌ریزی کنند و مسئله اخراج را برای همیشه حل نمایند.»

اخراج کارگران آن روی سکه اعتصاب و بحران در محیط‌های کارگری است که ابعاد آن نه تنها فروکش نکرده بلکه به نظر نویسندگان کارگسترش نیز یافته است. نشریه در پاسخ جرابی گسترش اعتصابات می‌نویسد:

واقعیت این است وقتی کارگران می‌بینند دولت از منافع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران وابسته دفاع می‌کند، سرمایه‌های امپریالیستی و وابسته را ملی نمی‌کند. و به عوض در نظر گرفتن منافع کارگران و تلاش در جهت بهبود زندگی آن‌ها، جانب سرمایه‌داران وابسته را می‌گیرد و مقررات کار گذشته را به آن‌ها تحمیل می‌کند، کم‌ترین گذشته نمی‌کنند و به شیوه‌های مختلف از جمله اعتصاب و اشکال عالی مبارزه برای گرفتن حقوق خود متوسل می‌شوند. اما اگر دولت دست به اقدامات قاطع ضد امپریالیستی می‌زد و سرمایه‌های وابسته را ملی می‌کرد و کاملاً منافع کارگران و زحمتکشان را در نظر داشت، در آن صورت همان‌گونه که تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است طبقه کارگر هر گونه سختی را تحمل می‌کرد و در راه احیای اقتصادی از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد.^{۱۵}

در پی تشدید بحران در محیط‌های کارگری، پای نهادهای تازه تأسیس شده حاکمیت برآمده از انقلاب در موضوعات کارگری باز می‌شود. کار شماره پانزده - بیست و چهار خرداد ۱۳۵۸ - از رودرو قراردادن پاسداران با کارگران و تجمعات کارگری انتقاد می‌کند و در کار شماره شانزده - سی و یک خرداد - بخش نامه دادگاه انقلاب اسلامی اراک خطاب به مدیران کارخانه‌ها منعکس شده است. بخش نامه از آنان می‌خواهد نیروی کارگری معترض را شناسایی کرده تا به عنوان ضدانقلاب مورد تعقیب قرار گیرند.

جالب این‌جاست به رغم آن که دست‌درکاران نشریه در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی نهادهای تازه تأسیس حاکمیت را مورد انتقاد قرار می‌دادند اما در مسائل کارگری لبه تیز حملات‌شان متوجه دولت موقت بود چرا که در تحلیل آن‌ها دولت بازرگان- طیف منسوب به سرمایه‌داران لیبرال- بهترین حامیان سرمایه‌داری وابسته به شمار می‌آمدند. تحلیل‌گران نشریه با صرف نقل قول از منابع کلاسیک مارکسیست، نئینستی درکی از گروه‌های ویژه اجتماعی در ایران

نداشتند و همانند بسیاری از کوشندگان عرصه سیاسی آن ایام نمی‌توانستند شکل‌گیری طبقه/ نهاد نوپای اقتصادی را که با مصادره کارخانه‌ها و سایر مراکز اقتصادی در حال شکل‌گیری بود، پیش‌بینی کنند.

تابستان ۱۳۵۸ به دنبال برگزاری انتخابات مجلس خبرگان، درگیری‌های خیابانی به تصرف ستاد چریک‌های فدایی خلق در خیابان میکده منجر شد. هم‌زمان قدرت‌نمایی نهادهای نظامی تازه تأسیس در محیط‌های کارگری افزایش یافت و محدودیت‌های بیش‌تری برای فعالیت تشکل‌های کارگری به وجود آمد. صفحات نشریه تحت‌تأثیر شرایط ملت‌هت‌هت وقت هم‌چنان به انعکاس رویدادهای کارگری می‌پرداخت:

کارگران شرکت فریم خواستار برکناری مدیر عامل توطئه‌گر شدند، تحصن کارگران شرکت اس-پی-باتینول در تهران ادامه دارد، اخراج عامل کارفرما از شورای کارگران کارخانه ایران دوچرخ، اجتماع کارگران شرکت سدسازی در وزارت کار، اعتصاب ۱۵۰ راننده شرکت فسان و توقیف ۸۰ میلیون اموال شرکت گیلگان توسط کارگران شرکت.^{۱۶} اعتصاب کارگران کارخانه پوشش رشت به دلیل بازگرداندن مدیران سابق که توسط کارگران اخراج شده بودند، تظاهرات کارگران بیکار در اصفهان و زد و خورد کمیته با آنان و تظاهرات ۱۵۰۰ کارگر شرکت ساختمانی آپادانا^{۱۷}، اخراج مدیران کارخانه تراکتورسازی تبریز و اداره کارخانه توسط شورای منتخب با وجود حمایت نماینده وزارت کار از کارفرما و تحمیل اراده شورای کارگران مبارز شرکت نفت پارس به دولت.^{۱۸} ادامه مبارزه یکپارچه و متحد توسط کارگران نفت پارس، اجتماع کارگران بیکار در محل استانداری گیلان و تحصن چهارهزار کارگر شرکت واحد برای افزایش دستمزد.^{۱۹} موج اخراج کارگران در بندر شاهپور و ماهشهر و اخراج و بازنشستگی اجباری کارگران مبارز کارخانه جیت‌سازی شهر ری.^{۲۰}

تیرهای استخراج‌شده تنها بخشی از گزارش‌ها و اخباری است که در نشریه کار حول مسائل کارگری در ایام فوق به نگارش درآمده است.

«ادبیات کارگری» و «تاریخچه جنبش‌های کارگری جهان» از جمله مقاله‌های ادامه‌دار نشریه کار است. در صفحه ادبیات کارگری علاوه بر ارائه شعر و گاه یادبودهایی به مناسبت درگذشتگان سازمان به طور مشخص ادبیات کارگری را مورد بررسی قرار می‌دهد. در نظر نویسنده یا نویسندگان مقاله، «در هر جامعه طبقاتی دو فرهنگ وجود دارد، فرهنگ طبقه حاکم و فرهنگ مردمی یا فرهنگ طبقه زیر سلطه. فرهنگ مسلط یعنی فرهنگ طبقه مسلط، فرهنگ طبقه حاکم، فرهنگ کسانی که بر خر مراد سوارند و مردم زحمتکش را استثمار می‌کنند.»

مقاله طبقه مسلط قبل از انقلاب را طبقه سرمایه‌داری وابسته به کشورهای خارجی و

امپریالیستی معرفی می‌کند که بقایای آن در ماه‌های پس از انقلاب هنوز از بین نرفته است. «فرهنگ این طبقه هم یک فرهنگ خارجی است که اصلاً با خصوصیات و اعتقادات و اخلاق مردم کشور ما بیگانه است.»^{۲۱} نویسنده مقاله، «برخلاف تصور برخی، ادبیات کارگری را ادبیات به زبان ساده نمی‌داند» که «چون کارگران کم‌سوادند بتوانند از آن سر در بیاورند بلکه در ادبیات هر طبقه و گروهی از مردم، مسائل مربوط به همان طبقه، طرز تفکر و اعتقاد انسان به زبان خود آن‌ها مطرح می‌شود و از منافع آن‌ها در مقابل طبقات و گروه‌های دیگر دفاع می‌شود.»^{۲۲} بنابراین ادبیات کارگری باید بتواند از منافع طبقه کارگر در برابر سایر طبقات و گروه‌ها دفاع کند.

این نوع ادبیات چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ مهم‌ترین ویژگی ادبیات کارگری پیوند نزدیک آن با واقعیت زندگی تعیین می‌شود زیرا: «این کارگران هستند که کار می‌کنند و چرخ تولید جامعه را می‌چرخانند، بنابراین هیچ‌کس به اندازه آن‌ها نمی‌تواند به واقعیت و حقیقت زندگی نزدیک باشد.»^{۲۳} ولی در برابر این پرسش که پس چرا به خود واقعیت هنر گفته نمی‌شود نویسنده پاسخ می‌دهد: «تأکید بر این موضوع که هنر و ادبیات کارگری پیوند نزدیکی با واقعیت دارد ممکن است این سؤال را پیش بیاورد که چرا خود واقعیت عالی‌ترین شکل هنر و ادبیات کارگری نیست و به خود واقعیت هنر گفته نمی‌شود؟ زیرا که بیان خود واقعیت ارزش هنری ندارد مگر آن که جزء کوچکی از اثر هنری باشد.»^{۲۴}

در ادامه مطلب، رئالیسم سوسیالیستی عالی‌ترین شکل هنر و ادبیات کارگری دانسته می‌شود. در راه رسیدن به تعریفی از رئالیسم سوسیالیستی، ابتدا ادبیات را به دو بخش واقع‌گرا (رئالیست) و واقع‌گریز (ضدرئالیست) تقسیم‌بندی می‌کند.^{۲۵} ادبیات رئالیستی سپس به دو زیرمجموعه انتقادی و سوسیالیستی تقسیم می‌شود. رئالیسم انتقادی هرچند همراه رئالیسم سوسیالیستی با جهان سرمایه‌داری مبارزه می‌کند ولی در پایان «رئالیسم انتقادی نیز مانند همه مظاهر دنیای سرمایه‌داری نابود خواهد شد و سرانجام جامعه وضعی پیدا خواهد کرد که فقط رئالیسم سوسیالیستی از عهده توصیف آن برخواهد آمد.»^{۲۶} در این سلسله‌مقالات رمان مادر اثر ماکسیم گورکی به عنوان نمونه‌ای از رئالیسم سوسیالیستی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نظر گردآورندگان مطلب، «نمی‌توان درباره رئالیسم سوسیالیستی صحبت کرد و یادی از گورکی نکرد، این دو از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند و رئالیسم سوسیالیستی به گورکی بیش از هر هنرمند دیگری مدیون است.»^{۲۷}

تاریخچه جنبش‌های کارگری جهان از دیگر مطالب ادامه‌دار نشریه است که در برخی از شماره‌های آن و در صفحات پایانی منعکس شده است. در سلسله‌مقالات تاریخچه جنبش‌های کارگری جهان بیشتر به مبارزه کارگران اروپا به خصوص در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن

بیستم توجه دارد.

شهریور و مهر ۱۳۵۸، با آغاز جنگ دوم کردستان، غیرقانونی اعلام شدن انتشار بیش از سی عنوان نشریهٔ سیاسی توسط دادگاه انقلاب و درگیری میان نیروهای سیاسی در تهران و شهرستان‌ها فضای ملتهب سیاسی اوج گرفت تا جایی که در شمارهٔ سی کار -دوازده شهریور ۱۳۵۸- شعار اساسی سازمان «پیش به سوی تشکیل حزب طبقهٔ کارگر» از صفحهٔ اول به صفحات پایانی منتقل و با شعار «در اهتزاز باد پرچم خونین سازمان چریک‌های فدایی» جایگزین می‌شود. کار که از اواسط تابستان هر هفته دو شماره منتشر می‌شد، در شرایط بحرانی حاصل در شمارهٔ سی و چهار- هفت آبان ۱۳۵۸- در سرمقالهٔ خود «اعتلای جنبش کارگری ایران» را نوید می‌دهد و اضافه می‌کند: «بحران اقتصادی کنونی که به صورت بیکاری، کمبایی کالاها، گرانی (تورم) تداوم یافته است، طبقهٔ کارگر، زحمتکشان شهری و روستاییان فقیر و میانه‌حال را زیر فشار خود گرفته و فشارهای ناشی از این بحران مبارزهٔ کارگران و زحمتکشان را مشخصاً گسترش داده است. همهٔ شواهد حاکی از رشد جنبش طبقهٔ کارگر ایران است.»

سرمقاله‌نویس سپس مبارزات کارگران از نخستین روزهای پس از قیام را چنین تحلیل می‌کند:

مبارزات دوران قیام در نخستین ماه‌های پس از آن به صورت [های] گوناگون ادامه یافت. در آن ماه‌ها تحصن‌های متعدد بیکاران، راهپیمایی‌های آنان که غالباً به درگیری با کمیته‌ها همراه بود، از وقایع روزمره به شمار می‌رفت. از حدود خرداد ماه به بعد به علت به کارافتادن مجدد برخی از واحدهای تولیدی و کاهش نسبی بیکاری و با به‌ثمر رسیدن مبارزهٔ کارگران برخی از مؤسسات تولیدی برای ترمیم ساعات کار، ترمیم میزان و مبنای دستمزدها افت محسوس در دامنهٔ حرکات اعتراض خودبه‌خودی طبقهٔ کارگر پدید آمد که تا حدود شهریور ماه ادامه یافت. شوراها کارگری در این دوران به در دست گرفتن کنترل و ادارهٔ بسیاری از کارخانه‌ها مبادرت کردند.

از اوایل شهریور به بعد حرکات خودپوی کارگری مشخصاً دوباره رو به گسترش نهاده است. به خصوص در یک‌ماههٔ اخیر مبارزهٔ کارگران با شعارهایی چون افزایش دستمزد، پرداخت سود ویژه و اعتراض به اخراج نسبت به ماه‌های قبل دامنهٔ وسیع‌تری به خود گرفته است.

سپس نویسنده پیش‌بینی می‌کند که

جنبش کارگری ایران رو به اعتلاست و این اعتلا با توجه به تداوم بحران اقتصادی و سیاسی کنونی در ماه‌های آتی هم‌چنان ادامه خواهد یافت. وقتی به اوج‌گیری شتابان

مبارزه در میان خلق‌ها توجه می‌کنیم، بیش‌تر و بهتر عقب‌ماندگی مفرط عامل ذهنی انقلاب و فقر جنبش کمونیستی ایران را چه از نظر میزان تجهیز به تئوری انقلاب و چه از نظر سازمان‌یافتگی درک [می‌کنیم]. در ایران امروز هم‌چون روسیه ۱۸۹۷ برای تشکیل حزب طبقه کارگر هنوز یک دنیا کار وجود دارد.

درحالی‌که کار نوید «اعتلای جنبش کارگری» را می‌داد، حوادث سیاسی یکی پس از دیگری جامعه و نیز صفحات نشریه را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. اشغال سفارت امریکا، برگزاری فراندوم پیش‌نویس قانون اساسی، استعفای دولت موقت و نیز انتخابات ریاست جمهوری، گروه‌های سیاسی درگیر در حوادث پس از انقلاب از جمله سازمان چریک‌های فدایی خلق را به دنباله‌روی از موج رخدادهای روزانه وامی‌دارد. استعفای دولت موقت بالاخره تحلیل‌گران نشریه یا سازمان را متوجه بخش‌های دیگر حاکمیت می‌کند. نشانه‌های اولیه تغییر مشی سازمان در تحلیلی به مناسبت تسخیر سفارت دربارهٔ جناح‌بندی‌های مختلف درون حاکمیت آشکار می‌شود، تحلیل‌گران سازمان که تاکنون حاکمیت را لاف‌لر در مسائل اقتصادی متیلور در دولت موقت می‌دیدند اکنون به گونه‌ای دیگر تحلیل می‌کنند و می‌نویسند: «نمایندگان سرمایه‌داری وابسته کوشش می‌کنند اتحاد خود را با ارتجاع قشری بر اساس موضع مشترک‌شان در سرکوب جنبش کمونیستی تحکیم بخشند.»

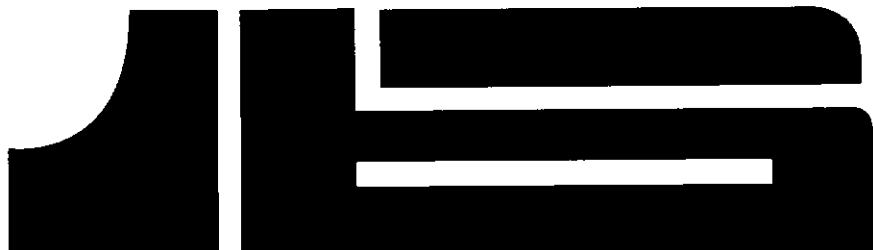


هم‌چنین نشریه باز در همین ارتباط در شمارهٔ چهل‌وشش - بیست‌وچهار بهمن ۱۳۵۸ - در تحلیل تورم و گرانی افسارگسیختهٔ موجود در جامعه به بخش‌های دیگر به جز سرمایه‌داری وابسته و لیبرال نظر دارد و عوامل موج تورم را چنین جمع‌بندی می‌کند:

کاهش تولیدات داخلی که نتیجهٔ اخلاف خود سرمایه‌داران در امر تولید و عدم تمایل دولت به خواست‌های توده‌های محروم و زحمتکش بود، بازار تجارت را پررونق کرده است به طوری که تجار و بازاریان می‌توانند سودهای کلانی به جیب بزنند.

نشریهٔ کار به رغم اشاره به «بازار تجارت» در تحلیل جابه‌جایی طبقات اجتماعی و اقتصادی باز به تحلیل‌های قبلی خود برمی‌گردد. هرچند که برداشت نشریه قرین به واقعیت است و در بلبشوی واحدهای صنعتی و موج مصادره‌ها و واگذاری‌ها، سرمایه‌داران خرد نیز تلاش کردند سهمی از غنایم به دست آمده نصیب‌شان شود و «اگر چند نفری از سرمایه‌داران وابسته جای خالی کرده‌اند، سرمایه‌داران بزرگ و کوچک و متوسطی که در صدر خوان نعمت آریامهری جای نداشتند، دورخیز کرده و دندان تیز کرده‌اند تا غنیمت‌های مردم را به چنگ آورند.»^{۲۸}

پس از توجه به بازار و سرمایه‌داران خرد بالاخره تحلیل‌گران نشریه متوجه طبقات نوظهور اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. در مقالهٔ تحلیلی «سه تاکتیک برخورد با خرده‌بورژوازی»^{۲۹} تلاش می‌شود تا از تحلیل‌های سنتی فاصله گرفته و اذعان کنند که «شناخت ماهیت خرده‌بورژوازی سنتی امروز به یکی از معضلات جنبش و گره برخورد با دستگاه حاکمه تبدیل شده و عدم درک ماهیت دوگانهٔ خرده‌بورژوازی موجب بروز موضع‌گیری‌های چپ و راست در رابطه با حاکمیت موجود گردیده است.» موضع‌گیری‌های راست‌روانه از آن حزب توده است. «حزب توده با مطلق کردن خصلت ضدامپریالیستی خرده‌بورژوازی و نادیده گرفتن جنبه‌های واپس‌گرایانهٔ آن، عملاً طبقهٔ کارگر را به دنباله‌روی از خرده‌بورژوازی ترغیب می‌کند» و، در مقابل، اپورتونیسیم چپ به عنوان مثال سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر «با نادیده گرفتن جنبهٔ ضدامپریالیستی و مطلق کردن جنبه‌های ضددموکراتیک و واپس‌گرایانهٔ آن، حرکات ضدامپریالیستی این قشر را تخطئه نموده و مبارزات اجتماعی آن را به توطئه و دسیسه تنزل می‌دهد.»



تحلیل‌گران نشریه کار در راه انتخاب راه سوم به دنبال شناخت دقیق ماهیت خرده‌بورژوازی سنتی هستند. در شماره بعدی نشریه دشواری شناخت خرده‌بورژوازی را به ماهیت دوگانه آن نسبت می‌دهند. طبقه‌ای که «در زمینه تخریب سیاسی نظام قبلی قاطعیت از خود نشان می‌دهد، اما در زمینه ساختن نظام آتی طرح عملی ندارد. بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم به دنبال راه سوم می‌گردد اما این راه سوم افسانه‌ای بیش نیست.»^{۲۰}

در مقابل ماهیت دوگانه خرده‌بورژوازی، نویسنده بر این نظر است که «پرولتاریا در مقطع کنونی می‌بایست ضمن نشان‌دادن عوام‌فروبی اپورتونیسیم چپ با تأکید بر عمدگی خطر اپورتونیسیم راست و افشای بی‌دریغ آن در جهت تشکیل صف مستقل پرولتاریا برای به سرانجام رساندن انقلاب دموکراتیک توده‌ای گام بردارد. پرولتاریا باید بکوشد که با افشا و منفردساختن بورژوازی لیبرال خلق را تحت هژمونی خود متشکل نموده و این انقلاب را به پیروزی رساند.»

حوادث محیط‌های کارگری هم‌چنان در صفحات نشریه منعکس می‌شود. برخی از این خبرها عبارتند از: بازداشت جلیل خسروشاهی مالک شرکت مینو به همراه سه مدیر دیگر شرکت توسط کارگران، رد طرح شورای انقلاب درباره سود ویژه توسط کارگران، اعتراض کارگران کشتارگاه به مدیر عامل جدید چرا که مدیر عامل جدید برخلاف ادعایش مبتنی بر این که فقط به خاطر انقلاب و به صورت رایگان کار می‌کند و هیچ گونه حقوقی دریافت نخواهد کرد برای خود حقوق صد هزار تومانی منظور کرده بود. این امر موجب اعتراض کارگران و درخواست آن‌ها برای تشکیل شورا شد.^{۲۱} گزارشی از راهپیمایی هشتم اسفند کارگران علیه امپریالیسم و سازشکاران که به دعوت شورای اسلامی کارگران در تهران برگزار شد و در این راهپیمایی حمایت خود را از ادامه افشاگری‌های دانشجویان پیرو خط امام اعلام کردند و قاطعانه خواستار ادامه افشاگری‌ها شدند.^{۲۲} سندیکای فرمایشی ایران ناسیونال مانع وحدت کارگران است. کارگران کارخانجات پارس الکتریک سرمایه‌داران لیبرال را افشا کردند، اعتصاب عمومی بیش از سی کارخانه تحت رهبری اتحاد شوراهای گیلان.^{۲۳} دولت و کمیته کارگران را روانه زندان می‌کنند. کارگران کارخانه پلاستیک قم در نتیجه اتحاد به پیروزی رسیدند.^{۲۴} راهپیمایی کارگران (خانه کارگر) پیرانشهر، همبستگی و مقاومت پیگیرانه کارگران و کارکنان انتشارات امیرکبیر به پیروزی انجامید. شورای کارگران معدن سنگ مریوان پس از مصادره معدن اداره آن را به دست گرفت.^{۲۵} پشتیبانی وزارت کشور از سرمایه‌داران و گرفتن توبه‌نامه‌های آریامهری از کارگران و کارکنان مبارز، راهپیمایی کارگران دخانیات ساری برای اعتراض به دستگیری نمایندگان‌شان، سرکوب و کشتار کارگران و دیپلمه‌های بی‌کار در ماهشهر، توطئه مشترک کارفرما و استاندار علیه شورای کارخانه قند ارومیه.^{۲۶} کارفرمای شرکت یارلون با اجیرکردن باندهای سیاه می‌خواهد از مبارزه کارگران

جلوگیری کند، کارگران صنایع چوب توطئه سرمایه‌دار (تعطیل کارخانه) را خنثی کردند. کارگران مبارز صنایع آگام توطئه وزارت صنایع را برای سرکوب شورا نقش بر آب کردند.^{۳۷}

علاوه بر درج اخبار کارگری و انعکاس رویدادهای هفتگی، نشریه به انتشار مطالبی می‌پردازد که در آن‌ها سیاست‌های جدید حاکمیت در حوزه مسائل کارگری مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در پاییز ۱۳۵۸ طرح پیش‌نویس اولین قانون تشکیل شوراهای کارگری با عنوان «اصول تشکیل شوراهای کارکنان، توسط وزارت کار جمهوری اسلامی» منتشر شد. ماحصل نتیجه‌گیری نشریه پس از بررسی طرح پیش‌نویس بر این استوار است که اجرای قانون مزبور شوراهای را از ماهیت خود تهی کرده و همانند گذشته به نهادی فرمایشی در واحد تولیدی تبدیل می‌کند. مقاله شوراهای را برخاسته از روزهای انقلاب می‌داند که به ابتکار خود کارگران به منظور کنترل واحد تولیدی به وجود آمدند، «کارگران متشکل شده در این شوراهای انتظار داشتند که دیگر نیروی بازو و قدرت خلاقه آن‌ها بر طبق خواست و اراده خود آن‌ها که به واقع خواست جامعه نیز بود به کار گرفته شود و امکان بهره‌کشی و زورگویی برای همیشه از بین برود. [اما پس از قیام،] دیگر شوراهای کارگران تحمل نشد و حاکمیت به انواع فشارها متوسل شد تا شوراهای را درهم بکوبد. اما مقاومت کارگران و دیگر اقشار خلق در برابر این فشارها آن‌چنان قوی بود که دولت ناگزیر به پذیرش نهاد شوراهای شد. با این تصور که آن‌ها را به ضد خود تبدیل خواهد کرد و حیثیت آن‌ها را برای همیشه از بین خواهد برد.»^{۳۸}

بر اساس نظر نویسنده در ادامه مقاله، «دولت سرمایه‌داران برای پیشبرد هدف‌های سرمایه‌داران تشکیل شورایی را مفید می‌داند که اوامر مدیران را به کارگران ابلاغ نموده و از کارگران بخواهد به آن تمکین نمایند. نظارت بر اعمال فردی و اجتماعی کارکنان از مهم‌ترین بندهای پیش‌نویس است که مورد اعتراض واقع شده است. تجسس در احوال شخصی کارکنان یعنی همان مسئولیتی که قبلاً بر عهده اداره حفاظت بود. و دیگر تصویب و انجام اموری که برای بهبود مؤسسه از طرف مدیریت به شوراهای پیشنهاد می‌گردد که شوراهای [را] تا حد زیرمجموعه مدیران مؤسسه تعریف می‌کند.»^{۳۹}

«درباره طرح طبقه‌بندی مشاغل»^{۴۰} و «نگاهی به پیش‌نویس قانون تأمین اجتماعی»^{۴۱} از دیگر موضوعات مرتبط با کارگران است که نشریه به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته است.

دومین ویژه‌نامه اول ماه مه به تاریخ پنج‌شنبه یازدهم اردیبهشت ۱۳۵۹ فاقد مقاله تحلیلی در ارتباط با موقعیت جنبش کارگری است. سرمقاله این شماره به حوادث دانشگاه‌ها موسوم به انقلاب فرهنگی اختصاص دارد و مقاله اصلی به روند برگزاری مراسم روز جهانی کارگران در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اشاره می‌کند. نشریه در آخرین شماره‌های دوره مزبور از کارگرانی

که کارخانه‌های‌شان توسط شوراها اداره می‌شود می‌خواهد تا «با افزایش تولید و بهره‌وری کار، مانع تبلیغات نفاق‌افکنانه دشمنان خود شوند.»^{۲۲} نگرانی از درگیری در واحدهای تولیدی و ایجاد محدودیت‌های هر چه بیش‌تر هشدارهای کار را این بار متوجه «کارگران پیشرو» می‌کند و می‌نویسد: «کارگران پیشرو باید از برخوردهای ایدئولوژیک در درون شوراها پرهیز کنند و با افشاگری‌های سیاسی و ارائه راه‌حل‌ها و شیوه‌های عملی حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران، شورا را تقویت کنند. به خصوص بر افزایش تولید و بهره‌وری کار تأکید نموده و بدین وسیله تبلیغات زهر آگین و نفاق‌افکنانه حاکمیت را که همواره از اخلال در تولید توسط پیشروان طبقه کارگر دم می‌زند عملاً خنثی و بی‌اثر سازند.»

این موضع تازه نشریه در آخرین شماره این دوره به تاریخ هفتم خرداد ۱۳۵۹ با عنوان «سنگر شوراها را در برابر تهاجم و توطئه‌های ضد کارگری تحکیم کنیم» پیگیری می‌شود. افزایش سطح حداقل دستمزدها یا کاهش قدرت خرید واقعی کارگران به علاوه اخبار کارگری از دیگر مطالب این شماره را تشکیل می‌دهد.

در پی انشعاب در سازمان چریک‌های فدایی خلق، از شماره ۶۱ نشریه کار نیز توسط هر یک از گروه‌های «اکثریت» و «اقلیت» منتشر شد و با توجه به مواضع متفاوت دو جریان در عرصه سیاسی و اقتصادی، در حوزه مسائل کارگری و چگونگی انعکاس آن نیز از دو شیوه متفاوت از هم پیروی می‌کردند.

یادداشت‌ها:

۱. نشریه کار، شماره سه، ۱۳۵۸/۱/۲.
۲. کار، شماره ده، ۱۳۵۸/۲/۲۰.
۳. شماره دوازده، ۱۳۵۸/۳/۳.
۴. شماره سه، ۱۳۵۸/۱/۲.
۵. شماره هفت، ۱۳۵۸/۱/۳۰.
۶. شماره شش، ۱۳۵۸/۱/۲۳.
۷. شماره ده، ۱۳۵۸/۲/۲۰.
۸. شماره بیست و چهار، ۱۳۵۸/۵/۱۱.
۹. شماره شش، ۱۳۵۸/۱/۲۳.
۱۰. شماره هفت، ۱۳۵۸/۱/۳۰.
۱۱. شماره پنج، ۱۳۵۸/۱/۱۶.
۱۲. شماره یازده، ۱۳۵۸/۲/۲۷، و شماره دوازده، ۱۳۵۸/۳/۳.
۱۳. شماره پانزده، ۱۳۵۸/۳/۲۴.

۱۴. شماره دوازده، ۱۳۵۸/۳/۳.
۱۵. شماره چهارده، ۱۳۵۸/۳/۱۷.
۱۶. شماره هفده، ۱۳۵۸/۴/۷.
۱۷. شماره بیست، ۱۳۵۸/۴/۲۸.
۱۸. شماره بیست و هفت، ۱۳۵۸/۵/۲۲.
۱۹. شماره سی و دو، ۱۳۵۸/۵/۲۶.
۲۰. شماره سی و چهار، ۱۳۵۸/۸/۷.
۲۱. شماره یک، ۱۳۵۸/۱/۱۹.
۲۲. شماره سه، ۱۳۵۸/۱/۲.
۲۳. همان.
۲۴. شماره چهارده، ۱۳۵۸/۳/۱۷.
۲۵. شماره پنج، ۱۳۵۸/۲/۲۰.
۲۶. شماره نوزده، ۱۳۵۸/۵/۲۱.
۲۷. شماره ده، ۱۳۵۸/۲/۲۰.
۲۸. شماره چهل و شش، ۱۳۵۸/۱۱/۲۴.
۲۹. شماره چهل و هشت، ۱۳۵۸/۱۲/۸.
۳۰. شماره چهل و نه، ۱۳۵۸/۱۲/۱۵.
۳۱. شماره چهل و هشت، ۱۳۵۸/۱۲/۸.
۳۲. شماره چهل و نه، ۱۳۵۸/۱۲/۱۵.
۳۳. شماره پنجاه و یک، ۱۳۵۸/۱۲/۲۹.
۳۴. شماره پنجاه و دو، ۱۳۵۹/۱/۱۳.
۳۵. شماره پنجاه و چهار، ۱۳۵۹/۱/۲۷.
۳۶. شماره پنجاه و پنج، ۱۳۵۹/۲/۳.
۳۷. شماره پنجاه و شش، ۱۳۵۹/۲/۱۰.
۳۸. شماره سی و شش، ۱۳۵۹/۹/۵.
۳۹. شماره چهل و هشت، ۱۳۵۸/۱۲/۸.
۴۰. شماره پنجاه، ۱۳۵۸/۱۲/۲۲.
۴۱. شماره پنجاه و یک، ۱۳۵۹/۱/۲۹.
۴۲. شماره پنجاه و نه، ۱۳۵۹/۲/۳۱.



شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی